

# صد سال تنهایی

نویسنده:

گابریل گارسیا مارکز

مترجم:

فهیمة مهدوی

سرشناسه: گارسیا مارکز، گابریل، ۱۹۲۷ - ۲۰۱۴ م.  
 عنوان و نام پدیدآور: صد سال تنهایی / نویسنده؛ گابریل گارسیا مارکز،  
 ترجمه فهیمه مهدوی  
 مشخصات نشر: تهران: پر، ۱۳۹۷.  
 مشخصات ظاهری: ۴۹۲ ص  
 شابک: 978-622-6041-40-9  
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا  
 یادداشت: عنوان اصلی: One hundred years of solitude .  
 موضوع: داستان‌های کلمبیایی -- قرن ۲۰ م.  
 موضوع: Colombian fiction -- 20th century  
 شناسه افزوده: مهدوی، فهیمه، ۱۳۶۷ - ، مترجم  
 رده بندی کنگره: PQ۸۱۸۰/الف۴ص۱۳۹۸ ۲۸/۸۱۸۰  
 رده بندی دیویی: ۶۴/۸۶۳  
 شماره کاتالانسی ملی: ۵۶۳۱۳۶۴



## صد سال تنهایی



▪ نویسنده: گابریل گارسیا مارکز

▪ مترجم: فهیمه مهدوی

▪ صفحه‌آرایی: منیر علیزاده

▪ نوبت چاپ: اول ۱۳۹۸

▪ تیراژ: ۱۱۰ نسخه

▪ قیمت: ۶۴۰۰۰ تومان

ISBN: 978-622-6041-40-9

▪ شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۰۴۱-۴۰-۹

آدرس: خ لبافی نژاد، بین خ دانشگاه و فخررازی، پلاک ۱۷۴ واحد ۳

تلفن: ۰۹۱۲۳۰۲۵۲۰۵ - ۶۶۴۶۶۹۶۵ - ۶۶۴۶۶۳۶۰

[www.ParNashr.ir](http://www.ParNashr.ir)

## فهرست مطالب

فصل اول	۷
فصل دوم	۳۰
فصل سوم	۵۱
فصل چهارم	۷۷
فصل پنجم	۱۰۱
فصل ششم	۱۲۷
فصل هفتم	۱۴۶
فصل هشتم	۱۶۹
فصل نهم	۱۸۸
فصل دهم	۲۱۴

۲۴۲	.....	فصل یازدهم
۲۶۸	.....	فصل دوازدهم
۲۹۳	.....	فصل سیزدهم
۳۲۰	.....	فصل چهاردهم
۳۴۶	.....	فصل پانزدهم
۳۷۰	.....	فصل شانزدهم
۳۹۲	.....	فصل هفدهم
۴۱۸	.....	فصل هجدهم
۴۴۴	.....	فصل نوزدهم
۴۶۹	.....	فصل بیستم

## سخن ناشر

«صد سال تنهایی» نام رمانی به زبان اسپانیایی نوشته گابریل گارسیا مارکز که چاپ نخست آن در سال ۱۹۶۷ در آرژانتین با تیراژ ۸۰۰۰ نسخه منتشر شد. تمام نسخه‌های چاپ اول صد سال تنهایی به زبان اسپانیایی در همان هفته نخست کاملاً به فروش رفت. در ۳۰ سالی که از نخستین چاپ این کتاب گذشت بیش از ۳۰ میلیون نسخه از آن در سراسر جهان به فروش رفته و به بیش از ۳۰ زبان ترجمه شده‌است. جایزه نوبل ادبیات ۱۹۸۲ به گابریل گارسیا مارکز به خاطر خلق این اثر تعلق گرفت.

«صد سال تنهایی» اثری قابل توجه و مفهومی است که میلیون‌ها نفر در جهان را شیفته خود کرده است. این رمان حاصل ۱۵ ماه تلاش و کار گابریل گارسیا مارکز است که به گفته‌ی خود در تمام این ۱۵ ماه خود را در خانه حبس کرده بوده است!

سبک این رمان رئالیسم جادویی است. مارکز با نوشتن از کولی‌ها از همان ابتدای رمان به شرح کارهای جادویی آن‌ها می‌پردازد و شگفتی‌های مربوط به حضور آن‌ها در دهکده را در خلال داستان کش‌وقوس می‌دهد تا حوادثی که به واقعیت زندگی در کلمبیا شباهت دارند با جادوهایی که در این داستان رخ می‌دهند ادغام شده و سبک رئالیسم جادویی به وجود آید. مارکز با نوشته‌هایش عناصر خیال را وارد زندگی روزانه و عادی مردم نموده است.

در این رمان به شرح زندگی شش نسل خانواده بوئندیا پرداخته شده است که در این سال‌ها هیچ ارتباطی با دنیای بیرون از دهکده‌ی خودشان نداشته‌اند و تنها ارتباط آنان با این دهکده کولی‌هایی هستند که هر از چند گاهی برای آنان کالا می‌آورند و آنان را با تکنولوژی‌های روز آشنا می‌کنند. نخستین

صحنه‌ی این رمان با اعدام سرهنگ آغاز می‌شود. سرهنگ آئرلیانو بوئندیا، از قدیمی‌ترین اشخاصی است که پا به این دهکده گذاشته است. او در لحظه‌ی اعدام ناگهان به یاد روزگار کودکی‌اش می‌افتد و این آغازگر روایت داستانی است که گابریل گارسیا مارکز، در صد سال تنهایی برای ما رقم زده است.

ناپدید شدن و مرگ بعضی از شخصیت‌های داستان به جادویی شدن روایت‌ها می‌افزاید. صعود رمدیوس به آسمان درست مقابل چشم دیگران کشته شدن همه پسران سرهنگ آئرلیانو بوئندیا که از زنان در جبهه جنگ به وجود آمده‌اند توسط افراد ناشناس از طریق هدف گلوله قرار دادن پیشانی آنها که علامت صلیب داشته و طعمه مورچه‌ها شدن آئرلیانو نوزاد تازه به دنیا آمده آمارانتا اورسولا از این موارد است. به اعتقاد بسیاری او در این کتاب سبک رئالیسم جادویی را ابداع کرده است. داستانی که در آن همه‌ی فضاها و شخصیت‌ها واقعی و حتی گاهی حقیقی هستند، اما ماجرای داستان مطابق روابط علی و معلولی شناخته شده‌ی دنیای ما پیش نمی‌روند.

## فصل اول

سال‌ها قبل از اینکه سرهنگ «آئورلیانو بوندیا»<sup>۱</sup> به جوخه‌ی آتش سپرده شود، سعی داشت آن عصر دور، زمانی که پدرش او را برد تا تاریخ را کشف کند به یاد آورد. در آن زمان «ماکوندو»<sup>۲</sup> دهکده‌ای بود با بیست خانه‌ی خشتی که در کرانه‌ی رودخانه با آبی شفاف ساخته شده بود. رودخانه‌ای پهناور در بستری از سنگ‌های صیقل یافته جریان داشت که مانند تخم مرغ‌های ماقبل تاریخ بسیار سفید و عظیم به نظر می‌رسید. دنیا به قدری تازه و جدید بود که بسیاری از چیزها اسمی نداشتند و برای نشان دادن آنها لازم بود به آنها اشاره شود. هر سال در طول ماه مارچ، هر روز گروهی از کولی‌های ژنده‌پوش، چادرهایشان را نزدیک دهکده برپا می‌کردند و با سر و صدای زیادی از نی و دهل، اختراعات جدیدی را به نمایش می‌گذاشتند. آنها اول آهن‌ربا را آوردند. یک کولی با ریش‌های ژولیده و دست‌های بسیار کوچک که خودش را «ملیکوئیدز»<sup>۳</sup> معرفی می‌کرد، در یک نمایش عمومی جسورانه چیزی را به نمایش گذاشت که خودش اسمش را هشتمین عجایب به‌دست آمده از کیمیاگران «ماسادونیا»<sup>۴</sup> گذاشته بود. او درحالی که دو

---

1- Aureliano Buendía

2- Macondo

3- Macondo

4- Macedonia